



مجله حقوق قرمز



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی
همایون مافی، مانده اصغرزاده
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری
محمدحسین رضائی قوام آبادی، پوریا ابراهیم زاده
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا
بهنام نورزاده
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی
اکبر ایمان پور، سهیل نجادى ایجادکار
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور
چالش ها و موانع تفسیر قراردادهای حقوق ایران
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی
علیرضا درانی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسن ابوالحسنی
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران
محمد احمدی، حملا سادات ذریه کرمانشاهی
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران
صادق محبی، محمدعلی جهانی
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران
سیده الهه بابونکی
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده
لیلا احدی
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش های تقنینی و اجرایی
علی بابایی
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل
الهه قربان کریمی
بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان شناختی تا شناخت خلائای تقنینی
مونا کمیلی
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران
امین رضا بهار فلامرزی
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران
محمد جوکار، ساسان وزین پور
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران
محمدرضا رضائی
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تأکید بر رویه قضایی
اسماعیل چوگانی
سیاست کیفری بین المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه های کیفری بین المللی
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا
مرتضی هاشم پور
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران
امین امینی نژاد
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران
پوریا ژولیده
تأثیر مخارج و پدهی دولت بر رشد بازار سهام در ایران
راضیه جنتی نژاد
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری
احمد پدیدار



Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba

تحلیل جرم‌شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا

Morteza Hashem Pour

Master of Criminal Law and Criminology, Tabnak University, Lamerd, Iran

مرتضی هاشم پور

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران

hashempour0912@gmail.com

Abstract

This research aims to analyze the criminology of kolbari and distinguish it from smuggling, identify the factors of its prevalence, and evaluate existing policies. The research method is descriptive-analytical, using the theories of relative deprivation and illegal opportunities. The findings show that kolbari is a livelihood activity rooted in economic and social deprivations such as poverty, unemployment, and isolation of border areas, while smuggling is an organized crime with profit-seeking motives and destructive effects on the national economy. The Law on Combating Smuggling of Goods and Currency, passed, classifies this activity as smuggling due to the lack of an independent definition of kolbari and imposes disproportionate penalties on kolbaris. The Law on Organizing and Monitoring Border Trade, passed, was a step towards differentiation by allowing kolbari for five years, but time and geographical restrictions have reduced its effectiveness. The research's recommendations include establishing free trade zones, amending laws to define Kolbari independently, providing insurance and legal protections, strengthening border surveillance, investing in education and skills training, raising media awareness, and coordinating the three branches of government. These strategies, by combining social and situational prevention, will help regulate Kolbari, reduce smuggling, and sustainably develop border areas. This research emphasizes the need for distinct policies to support border dwellers and curb smuggling.

Keywords: Colbary, Smuggling, Criminology.

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل جرم‌شناختی کولبری و تمایز آن از قاچاق کالا، شناسایی عوامل رواج، ارزیابی سیاست‌های موجود انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که از نظریه‌های محرومیت نسبی و فرصت‌های غیرقانونی بهره می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که کولبری، فعالیتی معیشتی با ریشه در محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند فقر، بیکاری و انزوای مناطق مرزی است، درحالی‌که قاچاق کالا، جرمی سازمان‌یافته با انگیزه‌های سودجویانه و تأثیرات مخرب بر اقتصاد ملی است. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به دلیل فقدان تعریف مستقل کولبری، این فعالیت را در دسته قاچاق قرار داده و مجازات‌های نامتناسبی را به کولبران تحمیل می‌کند. قانون سامان‌دهی و نظارت بر تجارت مرزی مصوب ۱۴۰۳ با مجاز دانستن کولبری برای پنج سال، گامی در جهت تمایز بوده، اما محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی، کارایی آن را کاهش داده است. پیشنهادات پژوهش شامل ایجاد مناطق آزاد تجاری، اصلاح قوانین برای تعریف مستقل کولبری، ارائه حمایت‌های بیمه‌ای و حقوقی، تقویت نظارت مرزی، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی، آگاهی‌بخشی رسانه‌ای و هماهنگی قوای سه‌گانه است. این راهکارها، با تلفیق پیشگیری اجتماعی و وضعی، به سامان‌دهی کولبری، کاهش قاچاق و توسعه پایدار مناطق مرزی کمک می‌کنند. این پژوهش بر ضرورت سیاست‌گذاری متمایز برای حمایت از مرزنشینان و مهار قاچاق تأکید دارد.

واژگان کلیدی: کولبری، قاچاق کالا، جرم‌شناسی.

ارجاع:

هاشم پور، مرتضی؛ (۱۴۰۵)، تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در سال‌های اخیر، پدیده کولبری در مناطق مرزی ایران به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، حقوقی و امنیتی کشور تبدیل شده است. این پدیده که در ظاهر به‌عنوان حمل غیرقانونی کالاهای ضروری و مصرفی از طریق مرزهای غیررسمی تعریف می‌شود، دارای ابعاد پیچیده‌ای است که نه تنها شامل نقض قوانین گمرکی، بلکه گسترش شبکه‌های غیررسمی اقتصادی، تضعیف نظام اداری و حقوقی، افزایش خشونت و ناامنی در مناطق مرزی و همچنین آسیب‌های انسانی متعددی نیز می‌باشد. با وجود این که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در رواج این پدیده نقش دارند، واکنش‌های حقوقی و قضایی نسبت به آن همواره نامنظم، ناسازگار و بدون رویکرد یکپارچه بوده است.

کولبری اغلب در مناطق مرزی با محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی بالا رخ می‌دهد. افرادی که تحت فشار فقر، بیکاری و عدم دسترسی به فرصت‌های معیشتی قانونی قرار دارند، به نوعی مجبور به ورود به این فعالیت می‌شوند. این موضوع از یک سو نشان‌دهنده جنبه‌های ضداجتماعی و اضطراری این پدیده است و از سوی دیگر موجب می‌شود تا نگاه عمومی و حتی گاهی نگاه مسئولان نسبت به آن ناعادلانه یا غیرجامع باشد. در مقابل، شبکه‌های سازمان‌یافته که از این پدیده سوءاستفاده می‌کنند،

می‌توانند به‌عنوان مجرمان اقتصادی و سازمان‌یافته شناخته شوند و به نوعی با جرم قاچاق کالا همپوشانی داشته باشند؛ بنابراین، یکی از اصلی‌ترین مسائل مطرح در این زمینه، عدم تمایز واضح و قانونی بین کولبری و قاچاق کالا است. این دو پدیده از لحاظ عملکرد فیزیکی ممکن است مشابه به نظر برسند، ولی از نظر انگیزه، ساختار سازمانی، وضعیت اجتماعی مجریان و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی، متفاوت هستند. این عدم تمایز موجب شده است که واکنش‌های حقوقی و قضایی نسبت به کولبری اغلب نامناسب، غیرعادلانه و یا حتی غیرعملی باشد.

در سطح حقوقی، ابهاماتی درباره ماهیت حقوقی کولبری وجود دارد. درحالی‌که قاچاق کالا به‌عنوان یک جرم اقتصادی مشخص و تحت پوشش قوانین گمرکی و مبارزه با قاچاق کالا شناخته شده است، کولبری اغلب در قالب جرائم جانبی یا جزیی مانند تجاوز به حریم مرزی، نقض مقررات گمرکی یا اخلال در نظم عمومی معرفی می‌شود. این امر موجب شده است تا این پدیده از توجه حقوقی کافی برخوردار نباشد و در نتیجه، سیاست‌های پیشگیری و مقابله با آن نیز بی‌ثبات و نامنظم باشد. همچنین، از دیدگاه جرم‌شناختی، کولبری از الگوهای جرمی خاص خود برخوردار است. این پدیده معمولاً توسط افرادی با موقعیت اجتماعی پایین و در شرایط اضطراری انجام می‌شود، درحالی‌که قاچاق کالا اغلب توسط افراد یا گروه‌های سازمان‌یافته با منابع مالی و اجتماعی بالا انجام می‌گیرد. این تفاوت در ساختار مجریان و انگیزه‌ها، موجب می‌شود تا واکنش‌های کیفری نیز باید متفاوت باشد. با این حال، در عمل، این تمایز در تصمیمات قضایی و اجرایی مدنظر قرار نگرفته است.

در نهایت، با توجه به تمامی این موارد، عدم وجود چهارچوب نظری و حقوقی واحد و منسجم درباره کولبری، عدم تمایز روشن این پدیده از قاچاق کالا و عدم انطباق واکنش‌های حقوقی با واقعیت‌های جرم‌شناختی و اجتماعی کولبری موجب شده است که مدیریت و مقابله با این پدیده از کارایی لازم برخوردار نباشد؛ بنابراین، لزوم تحلیل جامع و مقایسه‌ای کولبری و قاچاق کالا از منظر جرم‌شناختی، به منظور شناسایی تفاوت‌ها، همپوشانی‌ها و ماهیت واقعی هریک، احساس می‌شود؛ بنابراین، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در بروز هریک از این دو پدیده، تعیین هویت جرمی آن‌ها و

ارائه راهکارهای متناسب با الگوی شکل‌گیری هریک، امری ضروری به نظر می‌رسد.

این مسئله اهمیت دوچندانی دارد، چرا که افزایش شیوع کولبری در مناطق مرزی، نشان‌دهنده شکست سیاست‌های توسعه‌ای، اشتغال‌زایی و رفع فقر در این مناطق است. ازسوی دیگر، گسترش قاچاق کالا نیز می‌تواند ناشی از شکاف‌های نظارتی، ضعف‌های سیستمی و گاه همدستی مسئولان با شبکه‌های قاچاق باشد؛ بنابراین، شناخت تفاوت‌های ساختاری و علل بروز هریک از این دو جرم، می‌تواند به شکل‌گیری سیاست‌های عمومی مناسب و اصلاح قوانین موجود کمک کند؛ بنابراین، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در بروز هریک از این دو پدیده، تعیین هویت جرمی آن‌ها و ارائه راهکارهای متناسب با الگوی شکل‌گیری هریک، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱- مفاهیم

کولبری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و اقتصادی در مناطق مرزی، دارای تعاریف عام و خاصی است که ریشه در فرهنگ لغات و عرف محلی دارد. در مفهوم عام، کولبری به عملی اطلاق می‌شود که در آن فرد چیزی را بر روی دوش یا پشت خود حمل کرده و به مکان معینی می‌برد. در فرهنگ‌های لغت فارسی، «کول» به معنای شانه و دوش و «کوله» به آن چه بر کول حمل می‌شود، مانند کوله‌بار یا بسته باری که بر پشت کشیده می‌شود، معنا شده است (عمید، ۱۳۹۳، ۹۳۳). در زبان کردی نیز، «کول» هم به معنای شانه و دوش به کار می‌رود و هم به معنای کوله‌بار و فرهنگ لغات کردی آن را به سرشانه، دوش، کوله‌پشتی و کوله‌بار معنا کرده‌اند (شرف‌کندی، ۱۴۰۰، ۶۷۹). لغت‌نامه دهخدا، اصطلاح «کوله‌کش» را برای کسی که کوله‌پشتی یا کوله‌بار را حمل می‌کند، به کار برده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۲۳۶۸)؛ بنابراین، در این تعریف عام، چه در زبان فارسی و چه در کردی، کولبر به حمل‌کننده کوله‌بار اشاره دارد و وقتی گفته می‌شود کسی کول دارد، یعنی کوله‌باری بر روی دوش یا شانه او است.

بااین‌حال، در مفهوم خاص که در مناطق مرزی غرب و شمال غربی ایران رواج دارد، کولبری

عنوان یک شغل است. در این مناطق که با زبان کردی تکلم می کنند، کولبر به افرادی^۱ گفته می شود که در دو طرف مرز با حمل کالاهای تجاری بر روی پشت خود یا از طریق حیوانات بارکش و تحویل آن در مقصد، در قبال کارشان مزد دریافت می کنند. این شغل از دیرباز در این مناطق رواج یافته و در بسیاری از موارد تنها منبع درآمد یک خانوار محسوب می شود. عرف این شغل، تعیین کننده قواعد و مقررات حاکم بر آن است؛ مطابق عرف، شخصی که اقدام به کولبری می کند، با مراجعه به بازارچه های مرزی یا هر مکان دیگری که صاحبان کالاهای تجاری تعیین می کنند، طبق توافقی که در مورد تعیین مزد، چگونگی حمل بار، تضمین سلامت کالا و تحویل آن در مکان مشخص با صاحب کالا انجام می دهد، اقدام به تحویل بار و حمل آن بر روی پشت خود یا حمل با حیوانات بارکش نموده و با پیمودن مرز بین دو کشور عراق و ایران، کالا را در محل تعیین شده تحویل داده و مزد خود را دریافت می نماید.

کلمه کوله بری بار معنایی و عواقب سنگینی دارد؛ بدین معنا که آثار و نتایج و هزینه هایی که از لحاظ حقوقی و خصوصاً مباحث حقوق بشری به دلیل نقض حقوق کولبران در اثر اعمال این لفظ و وجود کولبر بر نهادهای حاکمیتی تحمیل می گردد، بسیار سنگین و سخت بوده و در بسیاری موارد باعث تخفیف جایگاهی کشور در مجامع بین المللی می گردد، این اسم حتی روی کارتی که کوله بران با استفاده از آن بار می برند آورده نشده است. برخی از اقتصاددانان، «کولبری» را تلاش مجاهدانه برای زیستن از روی ناچاری تعریف می کنند. کولبر در اصطلاح و در مفهوم مضیق خود کسی است که باری را به پشتش می بندد و به دوش می کشد و از جایی به جای دیگر می برد، اما در مفهوم موسع، کولبری فراتر از به دوش کشیدن بار است. این واژه مأنوس کردهایی است که از راه های سخت و پرپیچ و خم بارهای سنگین را بر پشت خود حمل می کنند و از این طرف مرز به آن طرف مرز می برند؛ زیرا مناطق مرزی بیشتر کوهستانی هستند و ماشین امکان رفت و آمد در این مناطق را ندارد. حال، اگر بار قاچاق باشد یا کارت تردد نداشته باشند، باید نیمه شب از راه های صعب العبور و

کوهستانی عبور کنند و یا حتی از طناب استفاده کرده و از رودخانه‌ها همراه با بار عبور کنند، سرما، گرما و وحشت و سختی‌های راه را به جان بخرند تا از دید مأموران پنهان بمانند. ولی اگر کارت تردد داشته باشند می‌توانند با آزادی بیشتری رفت‌وآمد کنند و بار ببرند. کولبران بیشتر در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان اقدام به کولبری می‌کنند و بیشتر در این مناطق رواج دارد.

علاوه بر این، در قوانین، اولین متن قانونی که نوعی از مبادلات مرزی را با عنوان «پله‌وری» مقررات‌گذاری کرده، مصوبه هیئت وزیران^۲ است. این مصوبه پله‌وران را گروهی از مرزنشینان می‌داند که شغل اصلی آن‌ها تجارت بوده و در مناطق مرزی مشغول به صادرات و واردات کالا هستند (نورمحمدی، ۱۳۷۳، ۴۶)؛ بنابراین، طبق این مصوبه اصطلاح «پله‌ور» ابتداءً برای تجار مرزنشینی که اقدام به مبادلات مرزی کرده‌اند به کار رفته است. قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی که قانونی عام برای مقررات‌گذاری تمام اشکال مبادلات مرزی توسط مرزنشینان است، پله‌وران را نیز مشمول مقررات این قانون دانسته است.

اصطلاح پله‌ور سابقه قانونی دارد و تا پیش از سال ۱۳۸۴ فعالیت کولبران مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته بود. در سال ۱۳۸۴ با تصویب قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی در تاریخ و آیین‌نامه اجرایی آن، فعالیت گروهی از کولبران با نام «پله‌ور» یا کارت الکترونیک مرزنشینان تحت پوشش قانون قرار گرفت. حال پرسشی که در این جا مطرح است این که آیا به کار بردن اصطلاح پله‌ور در قانون مزبور برای مرزنشینانی که شغل آن‌ها کولبری است صحیح است یا خیر؟ فرهنگ لغت‌های معتبر فارسی، «پله» را به معنای خریطه، توبره، کیسه و خریطه‌ای که در آن اشیاء مختلفه برای فروش ریزند معنا کرده‌اند و «پله‌ور» را کسی می‌دانند که این کیسه یا پله را به دوش کشیده و برای فروش دور گرداند. همچنین، در معنای دیگری پله‌ور را شخصی که دارو و اجناس عطاری را به خانه‌ها گرداند و بفروشد، داروفروش، ابریشم‌فروش، سوداگر، دوره‌گرد، خرده‌فروش و دستفروش معنا

کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۹۰، ۶۵۶). فرهنگ لغت‌های زبان کردی نیز پيله‌ور را به خرده‌فروش و دوره‌گرد معنا کرده‌اند (شرفکندی، ۱۴۰۰، ۳۲۶). با توجه به معانی و مفاهیم مختلفی که برای اصطلاح پيله‌ور در فرهنگ لغت‌های متعدد و معتبر فارسی و کردی ذکر شده است، همگی متفق‌القول پيله‌ور را به خرده‌فروش دوره‌گرد معنا کرده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان این اصطلاح را برای افرادی به کار برد که شغل آن‌ها کول‌بری به معنای خاص است.

۲- تاریخچه

انجام مبادلات مرزی از طریق کول‌بری نزدیک به یکصد سال است که در مناطق مرزی غرب و شمال غربی ایران انجام می‌شود. از ابتدا کوهستانی بودن این مناطق و نبود جاده مناسب جهت حمل و نقل کالا با وسایل ماشینی سبب شده مرزنیسان به ناچار به دادوستد کالا از طریق کول‌بری روی بیاورند به گونه‌ای که کولبری رایج گشته و اکنون به‌عنوان یک شغل شناخته‌شده دارای قواعد و مقررات عرفی خاص بین کولبران و صاحبان کالاهای تجاری است. هرچند که کولبری شغلی طاقت‌فرسا و خطرناک است اما مردم مناطق مرزی به دلیل نداشتن شغل مناسب دیگری به کسب درآمد از طریق مرز متوسل شده آن را حق خود دانسته و به‌عنوان یک کار نامشروع نمی‌شناسند و درآمد حاصل از این شغل را کسب روزی حلال می‌دانند. از طرف دیگر مصوبه شورای عالی امنیت ملی^۳ نیز که معابر غیررسمی کول‌بری را به رسمیت شناخته بود و تا سال ۱۳۹۲ هم اجرا شد در راستای شناسایی حقوق عرفی مرزنیسان در انجام مبادلات مرزی به تصویب رسید.

از زمان به وجود آمدن مرزها، تاکنون مبادلات مرزی برای مرزنیسان امری رایج بوده و آن را به حق جزو حقوق مرزنشینی خود به حساب می‌آورند. در ایران تا قبل از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی ایران در ۱۳۰۹ و اصلاحات بعدی آن، فعالیت در زمینه تجارت خارجی با محدودیت خاصی همراه نبوده اما بعد از تصویب این قانون تجارت خارجی در انحصار دولت قرار گرفته و حق وارد کردن

و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی و یا دائمی میزان واردات و صادرات به دولت واگذار شده و هرگونه فعالیت بدون مجوز قاچاق کالا و جرم اعلام گردیده است. با این حال، مرزنشینان مبادلات مرزی را همچنان حق خود دانسته و همواره محدودیت‌های قانونی را نادیده گرفته و به صادرات و واردات کالا از طریق مرز اقدام کرده‌اند تا آن جا که قانون‌گذار نیز به تدریج بر این نوع از مبادلات مرزی صحنه گذاشته و برای آن قواعد و مقررات خاص تدوین نموده است.

اولین اقدام دولت برای ضابطه‌مند کردن فعالیت مرزنشینان در زمینه مبادلات مرزی قانون مبادلات مرزی بود که در تاریخ ۱۳۴۴/۱۱/۲۱ به تصویب هیئت دولت رسید. بر اساس این قانون، نواحی مرزی به سه منطقه درجه یک، درجه دو و درجه سه تقسیم شده و هر کدام دارای امتیازات مخصوص به خود در زمینه مبادلات مرزی شدند (نورمحمدی، ۱۳۷۳، ۱۹). بعد از تصویب این قانون قوانین و مصوبات مختلفی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در این زمینه به تصویب رسیده است که آخرین آن‌ها مصوبه هیئت وزیران^۴ با نام آیین‌نامه سامان‌دهی مبادله در بازارچه‌های غیررسمی موقت مرزی می‌باشد.

مرزنشینان مبادلات مرزی و کسب درآمد از این طریق را جزو حقوق مثبت خود می‌دانند بگونه‌ای که وضع اجرای قوانین گمرکی که این حق را تحدید کرده یا آن را نادیده می‌گیرد ناعادلانه خوانده و ظلم علیه خود تلقی می‌کنند. هرچند که با به اجرا در آمدن قوانین گمرکی همواره از فعالیت مرزنشینان در زمینه مبادلات مرزی خارج از نظامات قانونی ممانعت به عمل آمده است اما آنان دست از دادوستد از طریق مرز بر نداشته و همچنان بر حق خود پافشاری می‌کنند و در این راه نیز متحمل هزینه‌های بسیاری از قبیل بازداشت، محاکمه و تحمل مجازات شده‌اند.

دولت در سال‌های اخیر نسبت به پدیده‌ی کولبری سیاست‌های دوگانه‌ای اتخاذ کرده است. تا پیش از تصویب قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی هیچ گونه قوانین و مقرراتی راجع به فعالیت کولبران وجود نداشت و هرگونه فعالیت مرزنشینان در قالب کولبری طبق قوانین گمرکی غیر قانونی و جرم شناخته می‌شد. در مهر ماه ۱۳۸۴ با تصویب قانون مزبور و آیین‌نامه اجرایی آن مبادلات مرز از طریق

کولبری تحت پوشش مقررات قانونی قرار گرفت و برای کولبران ساکن شعاع بیست کیلومتری نقطه صفر مرزی طبق مقررات مزبور پيله ور یا کارت الکترونیک مرزنشینان صادر شد.

طبق این قانون مرزنشینانی که دارای کارت پيله وری یا کارت الکترونیک مرزنشینان هستند ماهیانه به مبلغ پانصد الی هفتصد هزار تومان از معافیت گمرکی برخوردار شده و می توانند شخصاً یا توسط تعاونی های مرزنشینان از طریق معابر رسمی کالا وارد کنند. به عبارت دیگر، کسانی که دارای کارت پيله وری هستند در ماه می توانند حداکثر پنج بار کالا وارد کرده و هر بار به مبلغ یکصد هزار تومان از معافیت گمرکی استفاده کنند. مشمولان این قانون تنها مرزنشینان ساکن در شعاع بیست کیلومتری نقطه صفر مرزی هستند؛ بنابراین، مرزنشینان خارج از این محدوده و همچنین ساکنین مرزی که در منطقه آن ها مرز رسمی وجود ندارد مشمول این مزایای قانونی نشده و برای امرار معاش مجبور به تردد در معابر غیررسمی کولبری هستند. علاوه بر این، افرادی هم که دارای کارت پيله وری هستند با محدودیت اعمال شده نمی توانند درآمد کافی برای گذران زندگی داشته باشند. در نتیجه علاوه بر استفاده از معافیت در نظر گرفته شده در معابر غیررسمی نیز فعالیت می کنند.

۳- تمایز مفهومی کولبری و قاچاق کالا

کولبری و قاچاق کالا، دو پدیده ای هستند که به دلیل شباهت های ظاهری در انتقال کالاها از مرزها، اغلب به اشتباه در یک قالب ارزیابی می شوند، در حالی که از منظر ماهیت، انگیزه و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی، تفاوت های بنیادینی دارند. کولبری، به عنوان فعالیتی معیشتی که عمدتاً در مناطق محروم مرزی و به دلیل فقدان فرصت های شغلی پایدار شکل گرفته، ریشه در اضطراب اقتصادی و تلاش برای تأمین حداقل نیازهای زندگی دارد. در مقابل، قاچاق کالا به عنوان عملی غیرقانونی و محل نظام اقتصادی، اغلب با انگیزه های سودجویانه و در مقیاس گسترده تر انجام می شود.

پدیده های کولبری و قاچاق کالا، به عنوان دو فعالیت برجسته در مناطق مرزی ایران، ریشه در عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند که تحلیل آن ها از منظر جرم شناختی، کلید فهم

ماهیت و پیامدهای این فعالیت‌ها است. کولبری، به عنوان عملی معیشتی که عمدتاً در پاسخ به فقر و بیکاری در مناطق محروم مرزی شکل گرفته، با هدف تأمین حداقل نیازهای زندگی انجام می‌شود و اغلب در شرایط اضطرار اقتصادی صورت می‌گیرد. در مقابل، قاچاق کالا، به عنوان فعالیتی غیرقانونی با انگیزه‌های سودجویانه، معمولاً در مقیاس گسترده‌تر و با تأثیرات منفی بر نظام اقتصادی و اجتماعی همراه است.

با توجه به ظاهر و مکانیزم کولبری، بدون شک کولبری یک واحد خرد اقتصادی است که در آن، فرد در حد رفع حوائج و ضروریات زندگی خود و خانواده خویش اقدام به کولبری اجناسی می‌کند که با عنوان اولی، مجاز و مشروع بوده و مردم نیز بدان‌ها احتیاج دارند. به اعتبار نوع و شکل فعالیتی که کولبران در قالب آن، اقدام به کولبری می‌کنند، می‌توان گفت کولبران به دو نوع تقسیم می‌شوند. عموم کولبران از این قسم هستند و این نوع از کولبری به صورت رایج‌تری در مناطق مرزی وجود دارد و معمولاً کولبران از آن جایی که حتی سرمایه اولیه برای خرید و فروش کالا ندارند، صرفاً اجیر بوده و نقش حمل‌کننده بار را ایفاء می‌کنند. از این جا معلوم می‌شود که عمده کولبران در واقع مبادله‌کنندگان مرزی محسوب نمی‌شوند و در حقیقت به عنوان کارگران و مزدبگیران دلال‌هایی عمل می‌کنند که عمدتاً اهل شهرهای مرزی نیستند و بدین ترتیب از قبل مباشرت افراد فقیر و بیکار، درآمدهای زیادی تصاحب نموده و درآمد اندکی نیز نصیب کولبران می‌شود.

اولین مسئله مهمی که به ذهن می‌رسد این است که آیا می‌توان کولبری را موضوعاً نوعی قاچاق محسوب نمود و بدین ترتیب سایر احکام قاچاق را بر آن بار کرد یا خیر؟ بر اساس مواد قانونی، کولبرانی که با مجوز رسمی قانون گمرکی، به حمل کالاهای مجاز مبادرت می‌ورزند و مطابق با رعایت تشریفات گمرکی به کولبری اشتغال می‌ورزند، اقدام ایشان ماهیتی کاملاً منفک از مقوله قاچاق داشته و موضوعاً از مقوله قاچاق خارج می‌باشد. مقصود از کالاهای مجاز کالایی است که

صدور یا ورود آن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی، نیاز به کسب مجوز ندارد.^۵

۳-۱- عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی به عنوان یکی از اصلی ترین محرک های رواج کولبری و قاچاق کالا، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری و تداوم این پدیده ها ایفاء می کنند. فقر و بیکاری، به ویژه در مناطق مرزی، از جمله عوامل کلیدی هستند که افراد را به سمت فعالیت های غیررسمی و پرخطر سوق می دهند. بر اساس نظریه چرخه محرومیت، فقر و بیکاری به عنوان عوامل برونزا، ناشی از سیاست های ناکارآمد دولتی و عدم دسترسی به منابع توسعه ای، افراد را در چرخه ای از محرومیت قرار می دهند که منجر به روی آوردن به فعالیت هایی مانند کولبری می شود (غفورنیا، ۱۳۸۳، ۳۵).

فقر اقتصادی، به عنوان یکی از ریشه های اصلی، نه تنها دسترسی به نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن و بهداشت را محدود می کند، بلکه افراد را به سمت اقتصاد غیررسمی می کشاند. در این شرایط، کولبری به عنوان راهی برای کسب درآمد حداقلی ظاهر می شود، جایی که افراد با حمل بارهای سنگین، مانند تلویزیون، کولر، سیگار و پوشاک، از مرزها عبور می کنند تا معیشت خانواده خود را تأمین کنند (تقوی، ۱۳۸۰، ۲۵). این عوامل اقتصادی، نه تنها کولبری را به عنوان جایگزینی برای بیکاری تثبیت کرده اند، بلکه قاچاق کالا را نیز تقویت می کنند، جایی که تفاوت قیمت کالاها در داخل و خارج کشور، انگیزه اقتصادی برای ورود غیرقانونی کالاها ایجاد می کند (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۴، ۲۳).

انحصارگری در واردات برخی کالاها، مانند دارو و ماشین آلات، زمینه قاچاق را فراهم می آورد، جایی که شرکت های انحصاری قیمت ها را بالا نگه می دارند و قاچاقچیان کالاهای مشابه ارزان تر را وارد می کنند (پورقهرمانی و عزیزاده سامع، ۱۴۰۱، ۲۱). در مقایسه، کولبری اغلب به دلیل فقر و بیکاری محلی رواج می یابد، درحالی که قاچاق کالا بیشتر به عوامل کلان اقتصادی مانند تورم و یارانه

وابسته است. این تفاوت نشان می‌دهد که کولبری بیشتر جنبه معیشتی دارد، درحالی که قاچاق اغلب با انگیزه سودجویی همراه است (بهرامی و قاسمی، ۱۳۸۹، ۵۲).

۳-۲- عوامل اجتماعی و فرهنگی

عوامل اجتماعی و فرهنگی در رواج کولبری و قاچاق کالا نقش برجسته‌ای دارند، به‌ویژه در جوامعی که با محرومیت اجتماعی و فرهنگی مواجه هستند. محرومیت اجتماعی، به‌عنوان بخشی از چرخه محرومیت، افراد را از دسترسی به آموزش، سرمایه اجتماعی و فرصت‌های پیشرفت محروم می‌کند که این امر آن‌ها را به سمت فعالیت‌های غیررسمی مانند کولبری سوق می‌دهد (غفورنیا، ۱۳۸۳، ص ۳۵). این گسست اجتماعی، کولبری را به‌عنوان راهی برای بقا تقویت می‌کند، زیرا افراد در نبود حمایت‌های اجتماعی، به شبکه‌های غیررسمی اقتصادی روی می‌آورند.

از منظر فرهنگی، تقاضا برای کالاهای خارجی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد که ناشی از عوامل فرهنگی و کیفیت پایین تولید داخلی است. این تقاضا، قاچاق را به‌عنوان راهی برای دسترسی به کالاهای ارزان‌تر و باکیفیت‌تر تقویت می‌کند (دهخدا، ۱۳۹۰، ۳۸). نابرابری جنسیتی و کار مخاطره‌آمیز نیز در اقتصاد غیررسمی رشد می‌کند، جایی که افراد به دلیل نیاز به بقا، به فعالیت‌هایی مانند کولبری روی می‌آورند (تقوی، ۱۳۸۰، ۲۵).

نابرابری اجتماعی و فرهنگی، مانند تبعیض در دسترسی به آموزش و بهداشت، افراد را به سمت اشتغال پنهان سوق می‌دهد. در این شرایط، کولبری به‌عنوان فعالیتی ناپایدار و خلاف هنجارهای اجتماعی ظاهر می‌شود، اما به دلیل نیاز معیشتی ادامه می‌یابد (افراسیاب، ۱۳۸۹، ۷۴). قاچاق نیز تحت تأثیر عوامل فرهنگی مانند تمایل به کالاهای خارجی رشد می‌کند که این امر اقتصاد سالم را تهدید کرده و آثار زیانباری بر عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد (پورقهرمانی و علیزاده سامع، ۱۴۰۱، ۲۱). این عوامل نشان می‌دهند که رواج کولبری و قاچاق نه تنها اقتصادی، بلکه ریشه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دارد که نیاز به سیاست‌های جامع برای رفع آن‌ها احساس می‌شود.

۴- اقسام و روش‌های کولبری

کولبری، به‌عنوان یکی از فعالیت‌های معیشتی برجسته در مناطق مرزی ایران، به‌ویژه در نواحی غربی و شمال غربی کشور، پدیده‌ای چندوجهی است که تحت تأثیر شرایط اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی شکل گرفته است. این فعالیت که عمدتاً به حمل کالاهای تجاری به‌صورت خرد از طریق مسیرهای صعب‌العبور مرزی اطلاق می‌شود، در پاسخ به محرومیت اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی پایدار در مناطق مرزی رواج یافته است.

۴-۱- کولبران اجیر و معامله‌گر

کولبری به‌عنوان فعالیتی اقتصادی در مناطق مرزی، بر اساس نوع و شیوه انجام آن به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: کولبران اجیر و کولبران معامله‌گر. کولبران اجیر افرادی هستند که به‌عنوان کارگران مزدبگیر، بارهای تجاری را برای صاحبان کالا یا دلالان حمل می‌کنند. این گروه که اکثریت کولبران را تشکیل می‌دهند، معمولاً فاقد سرمایه اولیه برای خرید و فروش کالا هستند و صرفاً نقش حمل‌کننده بار را ایفاء می‌کنند. کولبران اجیر اغلب از اقشار فقیر و محروم مناطق مرزی هستند که به دلیل نبود فرصت‌های شغلی پایدار، به این فعالیت روی می‌آورند. آن‌ها در ازای دستمزدی اندک، کالاهایی مانند لوازم خانگی، پوشاک یا سیگار را از مسیرهای صعب‌العبور مرزی حمل می‌کنند. این فعالیت معمولاً تحت نظارت دلالان یا تجار غیرمحلی انجام می‌شود که از نیروی کار ارزان کولبران بهره‌برداری کرده و سود اصلی را به دست می‌آورند. این نوع کولبری، به دلیل ماهیت وابسته و دستمزدی آن، از منظر اقتصادی به‌عنوان نوعی اشتغال کاذب شناخته می‌شود که با کرامت انسانی و امنیت شغلی کولبران سازگاری ندارد (خضری، ۱۳۹۶، ۵۸).

در مقابل، کولبران معامله‌گر گروهی کوچک‌تر هستند که به‌طور مستقل به خرید و فروش کالاها پرداخته و خود مالک کالاهایی هستند که حمل می‌کنند. این افراد معمولاً دارای سرمایه اولیه محدودی هستند و کالاهایی مانند اقلام مصرفی یا محصولات محلی را در بازارچه‌های مرزی یا

شهرهای نزدیک به فروش می‌رسانند. مشتریان این کالاها اغلب شامل مردم محلی، مسافران یا خریدارانی هستند که به دنبال اجناس ارزان‌تر برای تأمین نیازهای روزمره یا جهیزیه هستند. کولبران معامله‌گر، برخلاف کولبران اجیر، از سود حاصل از فروش کالا بهره‌مند می‌شوند، اما همچنان با مخاطرات مسیرهای مرزی و نبود حمایت‌های قانونی مواجه‌اند. این نوع کولبری، به دلیل استقلال نسبی، کمتر به عنوان اشتغال کاذب تلقی می‌شود، اما همچنان به دلیل ماهیت غیررسمی و پرخطر، با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی متعددی همراه است (خضری، ۱۳۹۶، ۵۹).

۴-۲- کولبری قانونی و غیرقانونی

کولبری از منظر رعایت تشریفات قانونی به دو نوع قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌شود. کولبری قانونی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در چهارچوب مقررات گمرکی و با مجوز رسمی انجام می‌گیرند. بر اساس بند «ج» ماده اول قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، کالاهای مجاز، کالاهایی هستند که ورود یا صدور آن‌ها نیازی به کسب مجوز خاص ندارد و با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی انجام می‌شود. کولبران قانونی معمولاً با کارت تردد یا مجوزهای موقت، از معابر رسمی یا بازارچه‌های مرزی برای حمل کالاهای مجاز مانند مواد غذایی، پوشاک یا لوازم خانگی استفاده می‌کنند. این نوع کولبری که در دوره‌هایی مانند اجرای مصوبه شورای عالی امنیت ملی سامان‌دهی شده بود، به دلیل رعایت ضوابط قانونی، از اتهام قاچاق مبرا است و خطرات جانی کمتری برای کولبران به همراه دارد. با این حال، محدودیت‌های اعمال شده پس از سال ۱۳۹۲، مانند کاهش معابر غیررسمی، دسترسی به این نوع کولبری را برای بسیاری از کولبران دشوار کرده است (خضری، ۱۳۹۶).

کولبری غیرقانونی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که بدون رعایت تشریفات گمرکی یا از طریق معابر غیررسمی انجام می‌شوند. این نوع کولبری که اغلب به دلیل فقدان مجوزهای قانونی یا نبود زیرساخت‌های کافی برای کولبری قانونی رواج دارد، از منظر قانون به عنوان قاچاق تلقی می‌شود و مشمول مجازات‌های مندرج در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ می‌گردد (بهره‌مند،

۱۳۹۶، ۱۴۹). کولبران غیرقانونی معمولاً در نیمه شب و از مسیرهای صعب‌العبور و خطرناک عبور می‌کنند تا از دید مأموران مرزی پنهان بمانند. این فعالیت‌ها با مخاطرات جانی بالایی، از جمله خطر تیراندازی، سقوط از ارتفاعات یا غرق شدن در رودخانه‌ها همراه است. انگیزه اصلی کولبران غیرقانونی، اضطراب اقتصادی و فقدان شغل جایگزین است که آن‌ها را به پذیرش این خطرات وامی‌دارد.

۵- مبانی نظری جرم‌شناختی

پدیده کولبری و قاچاق کالا، به عنوان دو فعالیت متمایز اما مرتبط در مناطق مرزی ایران، از منظر جرم‌شناختی نیازمند تحلیل عمیق و چندوجهی است. این دو پدیده که ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند، نه تنها پیامدهای متفاوتی بر نظام اقتصادی و اجتماعی کشور دارند، بلکه از منظر علل و انگیزه‌های وقوع نیز تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر نشان می‌دهند. کولبری، به عنوان فعالیتی معیشتی که اغلب در شرایط اضطراب اقتصادی و به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی پایدار در مناطق محروم مرزی شکل گرفته، عمدتاً با هدف تأمین حداقل نیازهای زندگی انجام می‌شود. در مقابل، قاچاق کالا، به عنوان عملی غیرقانونی و مخل نظام اقتصادی، اغلب با انگیزه‌های سودجویانه و در مقیاس گسترده‌تر صورت می‌گیرد.

پدیده کولبری و قاچاق کالا، به عنوان دو فعالیت اقتصادی و اجتماعی برجسته در مناطق مرزی ایران، ریشه در عوامل پیچیده‌ای دارند که از منظر جرم‌شناختی قابل تحلیل هستند. نظریه‌های محرومیت و اقتصاد غیررسمی، به عنوان دو چهارچوب نظری کلیدی، ابزارهای مؤثری برای تبیین علل و انگیزه‌های شکل‌گیری این پدیده‌ها ارائه می‌دهند. محرومیت، چه به صورت درون‌زا^۶ و چه به صورت برون‌زا^۷، افراد را به سمت فعالیت‌های غیررسمی و پرخطر مانند کولبری سوق می‌دهد. اقتصاد غیررسمی نیز، به عنوان بستری که در آن فعالیت‌های اقتصادی خارج از نظارت و کنترل دولت شکل می‌گیرند، زمینه‌ساز اشتغال کاذب و ناپایدار برای اقشار محروم، به ویژه در مناطق مرزی، شده است.

۶- ناشی از محدودیت‌های داخلی فرد یا جامعه

۷- ناشی از سیاست‌ها و ساختارهای ناعادلانه خارجی

پدیده کولبری، به عنوان یکی از فعالیت‌های معیشتی رایج در مناطق مرزی ایران، به ویژه در نواحی غربی و شمال غربی، از منظر جرم‌شناختی به دلیل ریشه‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی و حقوقی خود مورد توجه ویژه‌ای قرار دارد. این پدیده که در بستر محرومیت‌های ساختاری و نبود فرصت‌های شغلی پایدار شکل گرفته، پاسخی به نیازهای اولیه زندگی مرزنشینان است، اما به دلیل همپوشانی ظاهری با قاچاق کالا، اغلب در چهارچوب‌های قضایی و اجتماعی به اشتباه تفسیر می‌شود. تحلیل جرم‌شناختی کولبری، با تمرکز بر علل و عوامل زمینه‌ساز آن، نه تنها به روشن شدن ماهیت این فعالیت کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای تمایز آن از قاچاق کالا و ارائه راهکارهای پیشگیرانه فراهم می‌سازد (تقوی، ۱۳۸۰، ۲۵).

۵-۱- نظریه‌های محرومیت و اقتصاد غیررسمی

بر اساس این نظریه، به طور کلی شکل‌گیری و تشدید پدیده محرومیت در سطوح فردی و جامعه، بدون تأکید بر متغیرهای اقتصادی، به دو صورت قابل بیان است: محرومیت درون‌زا^۸: شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل نبود استعدادها، منابع و شرایط لازم برای دسترسی و بهره‌مندی از برخی موهبت‌ها و فرصت‌های پیشرفت، دچار محرومیت می‌شود. در این حالت، عوامل داخلی مانند ضعف آموزشی، ناتوانی فردی یا فقدان سرمایه اجتماعی نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. نکته بارز در این خصوص آن است که در شکل‌گیری این نوع محرومیت، عامل خارجی دخالتی ندارد و ریشه آن در ذات فرد یا جامعه نهفته است. محرومیت برون‌زا^۹: شرایطی است که در آن فرد یا جامعه به دلیل اقدامات، سیاست‌ها و تصمیمات عوامل خارجی مانند فرد، گروه، دولت، جامعه، حوادث طبیعی یا ساختارهای ناعادلانه از دسترسی و بهره‌مندی از منابع، موهبت‌ها و عواید ناشی از توسعه محروم می‌ماند. به عبارت دیگر، در این حالت، فرد یا جامعه به دلیل ملاحظات خاص و اعمال قدرت توسط عوامل خارجی در شرایط محرومیت قرار می‌گیرد.

۸- ذاتی

۹- بیرونی

نظریه چرخه محرومیت بر این اساس استوار است که در شکل‌گیری چرخه محرومیت برای فرد یا جامعه، عوامل خارجی نقش تعیین‌کننده‌تری دارند. به بیان دیگر، از آن جا که در هر نظام اجتماعی، دولت به‌عنوان یک عامل خارجی وظیفه کنترل و راهبری نظام اجتماعی را بر عهده دارد، باید با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی مناسب، جنبه‌های محرومیت فردی و اجتماعی را کاهش دهد (غفورنیا، ۱۳۸۳، ۳۵).

۵-۲- اقتصاد غیررسمی و اشتغال کاذب

در بخشی از فعالیت‌های اقتصادی که جریان‌های مالی آن‌ها در محاسبات درآمد ناخالص ملی وارد نمی‌شود، فعالیت‌های غیررسمی و شرایط اقتصادی موجود، اقتصاد غیررسمی نامیده می‌شود. آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که برای دولت قابل شناسایی و نظارت نباشد، اقتصاد غیررسمی یک کشور را تشکیل می‌دهند (افراسیاب، ۱۳۸۹، ۷۴). اقتصاد غیررسمی در محیط‌های بالا با نرخ‌های بیکاری، اشتغال ناقص، فقر، نابرابری جنسیتی و کار مخاطره‌آمیز رشد می‌کند. نقش اقتصاد غیررسمی در شرایطی این چنین و بالأخص در درآمدزایی، به دلیل سهولت نسبی ورود به جرگه اشتغال و عدم الزامات اندک به سطح تحصیلی، مهارت‌ها، فناوری و سرمایه، بسیار قابل توجه است؛ اما اکثر افراد نه با انتخاب خود، بلکه به دلیل نیاز به ادامه حیات و برخورداری از فعالیتی با حداقل درآمد به اقتصاد غیررسمی روی می‌آورند (تقوی، ۱۳۸۰، ۲۵).

فقر اقتصادی، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی، افراد را به سمت اقتصاد غیررسمی می‌کشاند. اقتصاد غیررسمی در محیط‌های بالا با نرخ‌های بیکاری، اشتغال ناقص، فقر، نابرابری جنسیتی و کار مخاطره‌آمیز رشد می‌کند. نقش اقتصاد غیررسمی در شرایطی این چنین و بالأخص در درآمدزایی، به دلیل سهولت نسبی ورود به جرگه اشتغال و عدم الزامات اندک به سطح تحصیلی، مهارت‌ها، فناوری و سرمایه، بسیار قابل توجه است؛ اما اکثر افراد نه با انتخاب خود، بلکه به دلیل نیاز به ادامه حیات و برخورداری از فعالیتی با حداقل درآمد به اقتصاد غیررسمی روی می‌آورند (افراسیاب، ۱۳۸۹، ۷۴).

۵-۳- عوامل حقوقی و قضایی

ابهامات قانونی در تعریف کولبری یکی از اصلی‌ترین عوامل جرم‌شناختی است که این پدیده را در وضعیت خاکستری قرار داده و تمایز آن با قاچاق کالا را دشوار می‌سازد. در قوانین جاری، کولبری به صورت مستقل و جامع تعریف نشده است که این امر منجر به تفسیرهای متفاوت قضایی و اجرایی می‌شود. به عنوان مثال، در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، بند الف ماده ۱، قاچاق را هر فعل یا ترک فعلی تعریف می‌کند که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و برای آن مجازات تعیین شده باشد (بهره مند، ۱۳۹۹، ۱۴۷). ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ نیز بدون ارائه تعریف صریح از قاچاق، تنها به مصادیقی مانند ورود کالا از مسیر غیرمجاز یا بدون تشریفات گمرکی اشاره دارد که این ابهامات کولبری را در دسته جرائم گمرکی قرار می‌دهد بدون آن که ماهیت معیشتی آن را در نظر گیرد.

همچنین، در قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴، کولبران با عنوان پيله‌ور شناخته شده‌اند، درحالی‌که این اصطلاح برای تجار مرزنشین به کار رفته و با ماهیت حمل بار کولبری همخوانی ندارد (نورمحمدی، ۱۳۷۳، ۴۶). این ابهامات منجر به آرای قضایی متضاد و عدم واکنش یکسان به کولبری شده است که از منظر جرم‌شناختی، کولبران را در معرض مجازات‌های نامتناسب قرار می‌دهد (بهره مند، ۱۳۹۹، ۱۶۸). علاوه بر این، عدم تمایز قانونی بین کولبری و قاچاق، ریشه در نقص قوانین گمرکی دارد. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، با توسعه مصادیق قاچاق مانند اسناد خلاف واقع یا کالاهای ممنوع، کولبری را بدون در نظر گرفتن انگیزه معیشتی جرم‌انگاری می‌کند (پورابراهیم، ۱۳۹۱، ۲۶۰). این رویکرد که بر پایه قبح اعتباری جرائم اقتصادی است، کولبری را به عنوان جرمی قراردادی تلقی می‌کند بدون آن که شرایط اجتماعی مرزنشینان را مدنظر قرار دهد (کریمی و صالحی، ۱۳۹۵، ۴۳).

سیاست‌های دوگانه دولت در قبال کولبری، یکی از عوامل قضایی مؤثر در جرم‌شناختی این پدیده است که منجر به ناسازگاری در اجرای قوانین و افزایش ابهامات می‌شود. دولت در سال‌های

اخیر رویکردهای متناقضی اتخاذ کرده که این امر کولبران را در وضعیت نامطمئنی قرار داده است. برای مثال، اجرای طرح پله‌وری در مناطق مرزی غرب کشور که بر اساس قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴ انجام شد، کولبران ساکن شعاع بیست کیلومتری مرز را با کارت پله‌وری یا الکترونیک مرزنشینان تحت پوشش قانونی قرار داد (نورمحمدی، ۱۳۷۳، ۴۶). طبق این طرح، مرزنشینان ماهیانه از معافیت گمرکی پانصد تا فصد هزار تومان برخوردار می‌شوند و می‌توانند شخصاً یا از طریق تعاونی‌ها کالا وارد کنند (بهره مند، ۱۳۹۹، ۱۴۷).

این سیاست دوگانه با مصوبه شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۸۹ تشدید شد که معابر غیررسمی کولبری را مجاز اعلام کرد و بازارچه‌های موقت مرزی ایجاد نمود. این مصوبه که تا سال ۱۳۹۲ اجرا شد، به‌عنوان راهکاری برای کاهش بیکاری در استان‌های مرزی غرب کشور عمل کرد، اما در بلندمدت توسعه مناطق مرزی را نادیده گرفت و کولبری را به‌عنوان شغلی ناپایدار تثبیت کرد (پورابراهیم، ۱۳۹۱، ۲۶۰). این سیاست‌ها، کولبران را در معرض تفسیرهای قضایی متفاوت قرار می‌دهند، جایی که فعالیت قانونی در یک دوره، در دوره دیگر جرم‌انگاری می‌شود (کریمی و صالحی، ۱۳۹۵، ۴۳). علاوه بر این، بند نهم ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ که تیراندازی به کولبران را در موارد ورود غیرمجاز از مرز توجیه می‌کند، سیاست دوگانه را تشدید می‌کند. این قانون، با وجود تبصره‌های الزامی مانند اخطار قبلی و رعایت مراتب تیراندازی، در عمل منجر به نقض حقوق کولبران شده است (نقدی و گلی، ۱۳۹۴، ۳۱).

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جرم‌شناختی کولبری و قاچاق کالا، بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی، سیاست‌های حقوقی و کیفری، به بررسی این دو پدیده مرزی در چهارچوب‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت‌های بنیادین بین کولبری و قاچاق کالا از منظر انگیزه‌ها، ساختارها و پیامدها هستند. کولبری، به‌عنوان فعالیت معیشتی، ریشه در

محرومیت‌های ساختاری مناطق مرزی، فقر، بیکاری و انزوای اقتصادی دارد و اغلب توسط افراد محلی برای تأمین حداقل نیازهای زندگی انجام می‌شود. این فعالیت، در مقیاس کوچک و با انگیزه‌های بقا شکل گرفته و در بستر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی قابل تحلیل است. در مقابل، قاچاق کالا، به‌عنوان جرمی اقتصادی با ساختارهای سازمان‌یافته، با انگیزه‌های سودجویانه و با هدف اختلال در نظام اقتصادی انجام می‌شود و اغلب با کالاهای ممنوع یا با ارزش بالا همراه است. این تمایز که در نظریه‌های جرم‌شناختی مانند محرومیت نسبی برای کولبری و فرصت‌های غیرقانونی برای قاچاق تبیین می‌شود، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حقوقی و کیفری را برجسته می‌کند.

کولبری از منظر جرم‌شناختی و حقوقی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از قاچاق کالا متمایز می‌کند. در حوزه جرم‌شناسی، تمایز بین انواع جرائم اقتصادی، علاوه بر اهمیت نظری، دارای پیامدهای عملی و سیاست‌گذاری مهمی نیز است. کولبری در مناطق مرزی ایران، با وجود ظاهری شبیه به قاچاق کالا^{۱۰} از لحاظ علل، انگیزه‌ها، الگوهای عمل، وضعیت اجتماعی مجریان و پیامدهای انسانی و امنیتی، دارای طبیعتی متفاوت و منحصربه‌فرد است؛ بنابراین، کولبری نمی‌تواند تنها به‌عنوان یک نوع خاص از قاچاق کالا در نظر گرفته شود، بلکه باید آن را از نظر ساختار جرمی، موقعیت اجتماعی مجریان، انگیزه‌های ارتكابی و پیامدهای حقوقی و انسانی، به‌عنوان یک پدیده مستقل تحلیل کرد.

از منظر جرم‌شناختی، کولبری به‌عنوان فعالیت معیشتی، ریشه در محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند فقر، بیکاری و انزوای اقتصادی مناطق مرزی دارد. این فعالیت، اغلب در مقیاس کوچک توسط افراد محلی انجام می‌شود که فاقد گزینه‌های شغلی جایگزین هستند و هدف آن‌ها تأمین حداقل نیازهای زندگی است. نظریه محرومیت نسبی، کولبری را به‌عنوان واکنشی به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی تحلیل می‌کند. در مقابل، قاچاق کالا، با انگیزه‌های سودجویانه و در قالب شبکه‌های سازمان‌یافته، به اختلال در نظام اقتصادی منجر شده و اغلب با کالاهای ممنوع یا با

۱۰- یعنی ورود غیرقانونی کالا به داخل کشور

ارزش بالا همراه است. نظریه فرصت‌های غیرقانونی، قاچاق را به عنوان فعالیتی در بستر خلاهای نظارتی و اقتصادی تبیین می‌کند.

پیشنهاد

راهکارهای پیشنهادی این پژوهش، با تمرکز بر پیشگیری اجتماعی و وضعی، بر ایجاد عدالت توسعه‌ای، اصلاح قوانین، تقویت نظارت مرزی و حمایت‌های بیمه‌ای و حقوقی از کولبران تأکید دارند. ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی و مهارتی و تشکیل تعاونی‌های مرزنشینان، می‌تواند اشتغال پایدار ایجاد کرده و کولبری را به فعالیتی قانونی تبدیل کنند. اصلاح قوانین، مانند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون سامان‌دهی تجارت مرزی، با تعریف مستقل کولبری و گسترش معافیت‌های گمرکی، می‌تواند از جرم‌انگاری نادرست جلوگیری کند. حمایت‌های بیمه‌ای، مانند بیمه تأمین اجتماعی یا حوادث، خطرات جانی و اقتصادی کولبران را کاهش داده و با اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همخوانی دارد. نقش رسانه و آموزش نیز، با آگاهی‌بخشی درباره حقوق قانونی و ترویج مهارت‌های شغلی، به توانمندسازی مرزنشینان و کاهش انگ اجتماعی کولبران کمک می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- افراسیاب، محبوب، ۱۳۸۹، **پژوهشی اقتصادی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.
- بهرامی، محسن و قاسمی، بهروز، ۱۳۸۹، **آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات فارابی.

- بهره مند، حمید، ۱۳۹۹، **آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرائم اقتصادی در نظام حقوقی ایران**، چاپ سوم، تهران، انتشارات قوه قضائیه.
- پورقهرمانی، بابک و عزیزاده سامع، سونیا، ۱۴۰۱، **مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری قاچاق کالا و ارز در ایران، فصلنامه آموزه‌های فقه و حقوق جزا**، شماره ۲.
- پورابراهیم، احمد، ۱۳۹۱، **رویکرد به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظرات تقنینی و سیاست جنایی، دوفصلنامه بررسی‌های حقوقی**، شماره ۳.
- تقوی، مهدی، ۱۳۸۰، **حقوق تجارت بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.
- خضری، امیرارسلان، ۱۳۹۶، **پیدا و پنهان کولبری**، چاپ اول، تهران، انتشارات چراغ اندیشه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۰، **لغت نامه**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شرفکندی، ۱۴۰۰، **فرهنگ کردی فارسی**، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات سروش.
- عمید، حسن، ۱۳۹۳، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ چهل و چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- غفورنیا، امیر، ۱۳۸۳، **قاچاق کالا و اهمیت مبارزه با آن**، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات معاونت بازرسی و نظارت سازمان بازرگانی.
- کریمی، قاسم و صالحی، جاوید، ۱۳۹۵، **پیشگیری از جرائم قاچاق کالا و ارز بر مبنای قوانین موضوعه، فصلنامه مطالعات حقوقی**، شماره ۲.
- نقدی، ابراهیم و گلی، رضا، ۱۳۹۴، **محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز**، چاپ اول، تهران، انتشارات مسیر دانشگاه.
- نورمحمدی، خسرو، ۱۳۷۳، **جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی، مجله اقتصاد بررسی‌های بازرگانی**، شماره ۹۱.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration

Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh

Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage

Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh

Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment

Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash

Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia

Behnam Noorzadeh

Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles

Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar

Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment

Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour

Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law

Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri

Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System

Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani

Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System

Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi

Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law

Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei

Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System

Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani

Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System

Seyedeh Elaheh Babonaki

Studying the Right to Employment of Women in International Law

Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari

The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of

Shahid Fahmideh Judicial Complex

Leila Ahadi

Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy

Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi

a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to

Legislative and Executive Challenges

Ali Babaei

The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law

Elahe Ghorban Karimi

Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to

Identifying Legislative Gaps

Mona Komeyli

Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System

Amin Reza Bahar Falamarzi

an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units

Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour

Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law

Mohammadreza Rezaei

Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice

Esmail Chogani

International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals

Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan

Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba

Morteza Hashem Pour

Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System

Amin Amini Nezhad

The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder

Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh

Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution

Pouria Zhoulideh

Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran

Razieh Hojjati Nezhad

the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border

Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America

Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi

Strategies to Combat and Deal with Cybercrime

Ahmad Padidar